



چهارشنبه ۱۰ جولای ۲۰۲۴

فریده نوری

آن دختر زیبا کجا شد؟



عجب، آن سرو خوش بالا کجا شد
کجا شد، ای عجب بی ما کجا شد
که دلبر نیم شب، تنها کجا شد
که آن همراه جان افزا کجا شد
که آن شاخ گل رعنا کجا شد
که آن سلطان بی همتا کجا شد
که آن آهو درین صحرا کجا شد
که آن گوهر درین دریا کجا شد

عجب، آن دلبر زیبا کجا شد
میان ما چو شمعی نور میداد
دلیم چون برك میلرزد همه روز
برو بر ره، بپرس از رهگذاران
برو در باغ پرس از باغبانان
برو بر بام، پرس از پاسبانان
چو دیوانه همی کردم به صحرا
دو چشم من چو جیخون شد ز گریه

ز ماه و زهره می پرسم همه شب
که آن مه رو برین بالا کجا شد
چو آن ماست چون با دیگرانست؟
چو اینجا نیست او، آنجا کجا شد

دل و جانش چو با الله پیوست

اگر زین آب و گل شد لا کجا شد